

کوشش نامه

روزنامه بیچ دست حزب و جنبش پیشگی ندارد

روزهای دوشنبه منتشر میشود.

انتخابات کردستان

در این مدت که صحبت انتخابات در میان بوده و برای خروج به اغلب نظامات کنونی دستوراتی صادر گردیده با وجود اینکه ظاهرشرا اشکالی در اجرای قانون انتخابات در کردستان بنظر نیرسید دستوری مبنی بر شروع باقی ابلخ نگردیده است ولی با معلوم شدن جریان انتخابات طهران و حاصل نشدن تغییر یافته در آن، باید انتظار داشت که در آینده بسیار نزدیک برای نظام دیگر کشور و از آن جمله کردستان دستور شروع انتخابات صادر گردد.

در این موع که میتوان گفت در آستانه شروع انتخابات در کردستان می باشیم خوب است نظر اجمالی با وضع آن سامان از نظر انتخاباتی بیان کنیم.

در شهرستان سنندج اگر چه در اوایل که صحبت از شروع انتخابات بود اسامی چندی برای گنایدهای نمایندگان از گوشه و کنار بگوش می رسید ولی با مرور ایام چند نظر از این خیال صرف نظر نموده و فلجبار لریش مرد میدان هستند در صورتیکه مستند دارای سه گرسی نمایندگی است.

امامزبان انتخابات در این شهرستان احتیاجی نیست که دولت مداخله عینی بشاید مأموریتی را برای اصال نفوذ اجرام دارد نامهای مردم بخته خود و بگویند آزادی انتخابات از ما سلب شده است بلکه اماره، دوستانه ای گمانی است تا انتخابات در محیط آرام و بی سروسامانی و مطابق نظر دولت انجام گیرد، حال این معنی چهار بر سه چگونه حل شود و سه گرسی اصعب کدام نفر شود و سر کدامیک بدون کلاه بیاید آزارنا چند روز دیگر خواهیم فهمید.

در سنندج اگر چه هنوز انتخاباتی شروع نشده ولی تا حال گرسی نمایندگی چند دست گرفته و آخرین کسی که شانس توفیق داشته محدثا آنا عباسی بود ولی برقراری که شنیده میشود در این چند روزه اخیر تغییراتی در تصمیم داده شده است بطوریکه میگویند ولی هنوز رسا برای ما نباید شده گویا آنائی مظفر السلطنه فرماندار آجا از هتل دولتی خود مستعفی شده و اگر این خبر حقیقت داشته باشد تقاضا است از فرمانداری سنندج دست یافتن به گرسی نمایندگی است.

جریان انتخابات سلوخی عادی است چند نفر در شهر میگردند و به متقدمین و دارندگان رای ابلخ میمانند که باید آنائی فلان انتخاب شود در مقابل این دستور هم مقاومتی از کسی مشاهده نمی شود. بنا بر این انتخابات سطر هم بی سروسامانی و مطابق آمال مردم انجام

پیام ستان ارتش برای ساکنین غرب جنبه حیاتی دارند

شود که کوچکترین عمل خلاف رویداد رفتار ناپسندیده انسداد ارتش را در اولین فرصت مستقبلا به وزارت جنگ با ستاد ارتش اطلاع دهند.

مختصری که از پیام عقاد ارتش استخراج و لوقا نقل شده حاوی نکات زیاد آوری های نون آمده میس است که اساس وحدت ملی ما را تشکیل میدهد اگر هر یک از افراد به وظائف خود آشنا بوده و بخواهند از مقررات قانونی تجاوز نایند و اگر مردم و اعا محس همکاری و دلسوزی داشته باشند و اگر سرویس های مفسوس وزارت جنگ و ستاد ارتش مطابق مدلول پیام نون جدا بر اجاجات مسردم نوج، نایند تقاضا طری نخواهد کشید که سوتفاهم های گذشته مرتفع خواهد گردید این پیام شاید برای ساکنین تهران ساده بنظر برسد ولی اجرائی آن در مناطقی که اهمیت نظامی دارد برای مردم جنبه حیاتی را حائز است.

ما ضمن نقل قسمتی از این پیام خاطر هوطنان ساکن غرب واجدا به آن معطوف داشته و صیانه توصیه می نمایم که از این عسکاری غفلت نشایند مسکن است عده ای این پیام را بنفع خود بخواهند بی ارزش جلوه دهند ولی هوطنان ما باید توجه داشته باشند که اگر روزی امیدی برای امان ایران بردن خاطر ات گذشته باشد در این پیام و در اجراء آن نباید جستجو نمود.

اگر مقامی گفته نشود اصلاح مقهور نیست و اگر همکاری و صمیمیت در میان با عده بیوردی در اوضاع مشاهده بفرماید قدس بنابر این لازم است در نال این پیام هر کس وظیفه وجدانی خود را انجام دهد

هفته گذشته ستاد ارتش پیامی به نیروهای آذربایجان و کردستان فرستاد که در آن پس از تقدیر از عملیات آنان نکات اساسی و بسیار موثری را تذکر داده و در مقابل این پرسش که ما می بینیم و شاهدشاه محسوب از اضا چه انتظار داریم می گوید:

انتظار اینکه با رعایت دقیق خصائص و مسائل سربازی خود یا سربازی و ملاطفت سختی ها و مشکلات اهالی را مرتفع سازید به تقاضا درخواست های مردم در نهایت وجدان و کمال بی طرفی به اسرع وقت ترتیب اثر و پاسخ کامل بدهید و ثابت نمایند که شب روز شایسته ملت و کشور است راحت شما رفیع و نوج و ملال از هم میهنان سیاهه ثابت نماید که شما زحمت و مشقت را برای رفا و آسایش خواهران و برادران خود متحمل میشودید و در عوض فقط و فقط با نفعات کسوت مقدس سربازی و نام قابل بر ش سلحشوری نافع میباشد.

باید کردار لیک و گفتار پسنیده شما طوری باشد که معلوم کرده استقبال هایشان و احساسات خارق العاده مسردم میهن پرست بپورده نبوده است خاصه بنشای توصیه نموده که در دوستکاری و وانسنگرداری سر مشق و توجیه باشد و با نیروی ایمان و حسن نیت نظام خاموش خود را در قلوب برادران خود نقش نماید و انگون که باز دیگر به توجیه رسیده که ملت ایران پشتیبان ارتش خود می باشد شما بزرگان بدعید که ارتش برای ملت و از ملت است.

در پایان این پیام، ستاد ارتش میگوید: «داز هم میهنان گرامی تقاضای می

پلم آنائی جلال طاهری

به اهالی محترم گروس

دقیقه ای از فکر هم ولایتی های خودم غافل بوده و بیچورت مصائب و سختی های مادی و معنوی آن را که متولد وجود و کلای ما صالح و ناشناس و غیر معلنی بوده است از یاد نبردم.

در وقتی که من به اتکالی پشتیبانی و طرهداری شما در جراید مهم مرکزی بنگارش و تفریح اوضاع آن سامان دست زدم مثل اغلب از مسردم پست و درن هست این منظور راه اختم که برای خود تحصیل حاصل کرده و کنار بروم از بیان پلم و تلم از تحریر و امانت بر داوم بقیه دو صفحه

تا امروز من چندین ده بار مقالات و میاحت طولانی بر نفع عمومی شما در جراید کثیرا منتشر کرده ام که در جراید و عامه هوطنان را از محرومیت و مظلونیت شما با خبر ساختم.

من در طول مدتی که در میان جماعات روشن و آزادی طلب و میهن پرست انتظار هم آهنگی داشته و دارم

شود و نایند و امنی با مجلس خواهد آمد اما اگر رجوع باین موضوع ها هم مطالبی مثلا در روزنامه ای منتشر شود چند نفر امانت امام چه و غیره که همیشه مهربی در جیب دارند فوراً تلگرافی را به مسردم خود موهج فرموده احترامش می کنند اما تمیم بفرمایم و مردم ملو صغیر نیستند و تلگرافی هم بوسیله چند نفر یا در به امضاها رسیده مشاهده میشود و تلگراف های بعدی این منزلت بی نظیر و این سعادت فون نامه را که برای اولین بار نصیب اهالی لشکرده مسرفده تبریک میگویند.

در اهالی ایام در این شهرستان هنوز وضع انتخابات کامل و روشن نیست عده ای در مرکز مشغول دو نگی هستند و چند نفری هم در محل تلاش می نمایند ولی گویا بطور مست کرده اند که گرسی و کالت مهاباد را بجای سطر به آنائی مسد آقا عباسی بجزان خسارتی که دیده بدهند. ولی چیزی که مسلم است این است که در محل در میان مردم کسی مشغول فعالیت نیست بلکه آنجا بیکه خود را برای نشستن بر گرسی نایندگی مسخر کرده اند کلیه تلاششان این است که کسب موافقتی از مقامان دولتی بنمایند.

در گروس، مبارزه انتخاباتی جریان دارد بگی مرتب پول خرج میکنند و دارندگان آرا را به دور خود جمع میکنند و تلگراف تحسین با منضم می رسانند و عکس خود را کلیشه کرده بدرود یوار می سپارند و دیگران مشغول سازش با باقیانده سران قوم میباشند که اگر آرائی ساده که هنوز بفرش رسیده روی دوستی و خواهش بدست آورده بطور خلاصه این است وضع زمین

های انتخاباتی در چند شهرستان کرد نشین. خدا کنت بعد از اینبه مضمه افلا و کلای مجلس نمایندگی مختصری بدرد مردم بخورند زیرا کردستان نیازمند اصلاحات است و اصلاحات هم جز با جدیت نمایندگان در آینده امکان پذیر نیست پس اگر ما در دوره یازدهم و کلای چندی ولایت و خوب نداشته باشیم ناخامه ما خواهد است.

خوب است در این روزها که با به آخرین تصمیم اتخاذ خود آنا بانی که میخواهند نایند مردم خود اند که هم بلکر و کت و متوجه گردید که کار و کالت شوشی و تفریح نیست بلکه با سر و کت مردم و سلکت ناس دارد و پیش خود وجدان راجاهه قرار داده در صورتیکه اطمینان دارند که هر پست نمایندگی میتواند خدمتی ب مردم بکنند و اورد میدان شوند و الا این چند خود را مفتضح نموده و با دیگران در آستینشان فرود و با عاقل گذاردن یک گرسی نایندگی بر بد بعضی و بر پستان روز گاری مردم لیفرایند.

وینا و ایران در نقشه گذشته

کشور گهسال چین

و هنگامه جنگ جهانی سوم

با تشریح مقاصد در حزب کومین تانگ و کمونیست و مخالفت ما و تلاش های این دو حزب ، کوشش و تقاضای ملیون چین برای بنیاد پان چین نوین ، آشکارا در میان نهاده شد ، ترمیم و تجدید وضع کنونی چین و وجود مبارزات همدی که در طول تاریخ و سیاست اجتماعی چین در این گوشه دور افتاده همه کافی و فراوان دیده میشود نمایش کوچکی از حلقه طلب مانده کی این کشور گهسال بود .

صفت اجتماعی چین در حال حاضر که بالا ترین بودار تغییرات کفیی و کمی پیک آینه زد همگی است ، پیک چین و آزاد واک که در حال انتقال از دنیای کهن پانام دموکراسی و آزادی است بصورت خوشایندی جسم می شود ناموزونی و مرجح روز افزونی که مهم ترین اسکیزه آن مابین ایدئولوژیکی و سیاسی و خصوصیات فکری بین دو حزب یاد شده است منضم پیک کلیت اجتماعی بود که در این شاهراه سیاسی عرض اقدام میگرد گشایانی که علی الظاهر مشخص نمرم اجناسی - اقتصادی - سیاسی کشور کهن سال چین بود ضمن توجه های خود در حلقه پیش بعوانه گان عزیز مرغه گردید و اکنون رفته های پارسیکی که سرانجام فالوس مرک سیاست های دور و در را در چین پیدا درخواسته آرد و آینه چین و بقیه تضاد های موجود بین احزاب سیاسی چین را آغاز خواهیم نمود .

تاریخچه و علل پیدایش دو حزب کومین تانگ و کمونیست چین و افکار سیاسی متمثل این دو حزب و روشنی و روشنی در حزب فون که از مهم ترین احزاب سیاسی چین هستند سوزده تاریخچه سیاسی آنان را از بدو پیدایش تاکنون منازعات و برده های داخلی تشکیل داده است ، استقرار سیاست امریکا و رینه کی نبودن جبری دیپلماسی بریتانیا بر نکت روشنی بود که جدا گانه و در این جهت تظاهر میگرد . نسل از حلقه آخری زاین بر چین این دو حزب هر یک با نگاهداری ترونتی مطبیم ، حرم امنیتی برای خود تشکیل داده بود (بیان) در شان با بنخت ووات کومیس و تاکن در جنوب پمانخت دولت (کومین تانگ) بود تا ظهور جنگ و این بشی در ۷ ژوئیه ۱۹۴۷ ، آثار تیرد های جانسوز داخلی در داخله چین تظاهر مینماید .

این جنگهای ده ساله تحول بزرگی در چین بوجود آورد ، حریفی که مجبور بشور بهای جانان اجتماعی بود و از این طریق شرایط را برای ایجاد پیک چین نوین فراهم میآورد از یکطرف و حریفی که با روش بورژوا متشانه بهترین وسیله برای نامین نفوذ هنگانی و پیکانه حامل بسط و تسلط سرمایه های

غروب نشان داد نفرت های جدیدی بر صحنه سیاست کشور حکمروایی میکنند اعتراضات دامن داری که شاید اگر خوب رهبری می شد منتج ب نتیجه میگردید ثابت نبود که بر تیش است باید محیط مناسبی برای فعالیت های سیاسی دولت ایجاد گردد ، و انضام سر مست آینه حقایق دیگری را در برابر ماخواهند کشود .

آیا انتخابات وانتخابات پارلمان آلام اقتصادی و اجتماعی مردم زمست کنس ایران را میتوان خود به خود تحت الشعاع قرار دهد ؟ مسیر و جهز زمانه را بطرف دیگری پیکشانه و ضامن پایداری دائم دولت باشد ؟

تمام تقاضا استقامی است که جدا جدا جواب آنرا خواهیم شنید ، حکم تاریخ لا یشتر است ، نتایج انتخابات در عرض این هفته معلوم خواهد شد ، جناب آقای نخست وزیر روز پنجشنبه هفت پیش با وزراء در فرمانداری تهران حاضر و مانه اسرادی ساهه آراء خود را در صندوق های انتخاباتی ریخته نتیجه انتخابات را از هم اکنون میتوان با جزئی اختلاف پیش بینی کرد .

نمایشی از تحولات

سیاسی جهان

کنفرانس معاونین چهار وزیر خارجه

معاونین وزراء امور خارجه برای تهیه طرحهای لازم میانهای صلح با آلمان و اتریش که مهمترین کار کنفرانس مسکو است در حلقه پیشی مسئول کار بوده معاونین وزراء امور خارجه یاد دهندهای اولی و اولی کوچک که در حلقه بر حلقه آلمان حرکت داهند در سافت بوده اند اولین کونست معاون وزارت امور خارجه شوروی با طرح این پیشنهادات در اولین مشاورین وزراء امور خارجه مخالفت بوده و معتقد است که طبق دستورات صادره میبایستی اول عهدنامه صلح با آلمان و اتریش مورد مطالعه قرار گیرد .

کنفرانس مسکو در ماه مارس آغاز خواهد شد ، این کنفرانس که پس از کنفرانس اخیر له پوریک سائز اهمیت شکرلی است ، معاونین وزراء امور خارجه مشته اروپا و آلمان را بررسی می نمایند در این زمینه بدیهی است با اختلافاتی مواجه خواهند شد ، با آژمانش های تلخ و فراوانی که ملل جهان از آلمان و اروپا دارند بی شک کنفرانس مسکو و مخالف و هواری را بر عهده دارد ، آلمان در طول تاریخ سیاسی خود چندین مرتبه موجد هرج و مرج جهان بوده است آلمان هنوز قبیله یک غایر به عظیم صنتی است ، دول دموکراسی غرب در گذشته برای حفظ منافع جهانی خود همیشه از درواصل استفاده می کردند و جنگهای عظیمی را دامن می زدند ، با اظهارات بسیار فریبنده و بیسایهانی که ضامن اجرائی می توانند داشته باشند حس ملیه و ماهبت ملت آلمان و انسی تحول تغییر داد ،

در پاره جنگهای گذشته و مثل سیاسی و موجبات پیدایش آن باید مطالعه

کرد و بر مبنای صحیح و مطمئن که با جریان عقبی تکامل سیاسی اجتماع تقاضی و مغایرت نداشته باشد بیسایهانی که تمامی ملل جهان را بتطبیق راه دموکراسی مجبور کنه باید هست نمود ، آلمان در سازمان جهان آینده اگر صحیح فعالیت کنه بتعقیق وزه سنگینی برای نامین آزادی دموکراسی خواهد بود .

رئیس جمهور جمهوری چهارم فرانسه

انتخاب رئیس جمهور جمهوری چهارم فرانسه در حلقه پیش یکی از مسائلی بود که توجه همه را بخود جلب کرده بود ، بردهای سیاسی ۱۹۰۸ هفت خود رسید ، بود جنب و جوش ملت فرانسه هنگام انتخابات مجلس ملی پیشینه بود ولی هنگامی که سخن از انتخاب رئیس جمهور پیش آمد فعالیت بیسایندی ظهور کرد فعالیت احزاب سیاسی که ماضی انتخاب رئیس جمهوری هستند تلاش و سیاستمداران که از گوشه و کنار در این روزها جلوه گر میشوند و میخواستند در اس اجتماع قرار گیرند و اما غنچه آور بوده است طرفداران زرنال دو گل که بنظور نفون بر احزاب سیاسی دوچار شکست گردیدند برای موفقیت او در انتخابات صاف تاویسی این زرنال کهنه کار رومیون دوست را با خود و تکرار میکرده کمونیست هارسان اورپول را گناهانه نموده مدعی جزا انتخاب گناه بادی خود شده اند لژون بلوم که اکنون از نقش و جبری خوب سوسیالیست در فرانسه و او و پاسخن میگویند روزنامه پوپولرسی میگردند که احزاب دیموکرا زیر سر برتنی خود گرفته و گناه بادی خود را بر کرسی ریاست جمهور بنشانند ، فرانسه در این اوخرتیمی از این بلایهای سیاسی دیده است ملت فرانسه بخوبی با این ضاع آشنا هستند توجه ما در اینجا مطوف نکت دیگری است ما میخواهیم ببینیم چطور شده سیورسان اورپول و سیورا مادیه که بدون شک در دوره حکومت خود هر دو امید هارو معانی لژون بلوم را منکس می کنند و سازمان آینه فرانسه را مجسم خواهند نمود انتخاب گردیدند بر تهر فرانسه وزه سنگینی در که تراوی سیاست جهان آینه خواهد بود و با انتخاب نسان اورپول سرورده های بزرگی در کشورهای مختلف بر باغده است فرانسه امروز این سرلوشنهارا استیلا می کند و باید دید آیا در آینه لژون بلوم فکر دموکراتیک و آزاده الهام خواهند گرفت یا نیر ؟

هفته اعتصاب

تعلیل روزنامه های فرانسه و اعتصاب کارگران چاپخانه هارو اعتصاب کارگران حمل و نقل در انگلستان از تضایای شرح سیاسی هفت پیش بود اعتصاب کارگران چاپخانه ها با پان رسبه و در آن سر بازان با مر دولت جای امتضایون مسئول کار گردیدند .

نادی که کارگران در قبول نشانای های حلقه خود بیکار برده از حلقه نظر اهمیت و تا کنیکه صیانه و واحد آن قابل اهمیت بود .

انتخابات فرانسه

مخالفت شدید (از یک سو) بیله) رئیس بچه در حلقه ۷

اسرار بارزان (۱۳)

راجعه انحلال شرکت پخش کالای انحصاری دخانیات کردستان

شب ۱۲ سپتامبر سیمه نظر از افراد مسلح حشیرت صوری هتک دولتی را از معاصره نجات دادند و ملا مصطفی بهترین دید که بواسطه دیگری در کوه پیرس که یک ماهه و نیم از موضع جنگ دور بسود عقب نشینی نماید .

در عرض پنج روز یعنی روز ۸ سپتامبر و ۳ روز معاصره و روز آخر جمعا هفت دفته معاصره با نشون دولتی در گرفت بود. روسای عشایری که با افراد مسلح خود به کمک توای دولتی آمده بودند عبارت بودند از : احمد بیگ زیاری - شوکت زیاری - مجید حسین آقا - جیداد هرفانی - شیخ جلال بریف کانی - و در نتیجه این سیاست که روسای عشایر کرد را بر علیه توای ملی به جنگ در آورده بودند معصود زیاری هم که خود را به توای ملا مصطفی ملحق نموده بود از نیروی ملی جدا شده بطرف دولتیان رفت و ملا مصطفی را پس نادانیش تنها گذاشت.

سجود کتک و ذخیره اس از این سلسله معاربات قرار ذیل بود از نشون دولتی ۳۸۰ کتک و ۵۰۰ زسی و از نیروی ملی ۶ کتک و چهار زسی یکی از این کتک هدگان فرمانده جبهه راست و ۳ زسی بود .

جنگ هه و دیان و هزله (جبهه خاور)

روز ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ هتک ۴ از طرف راست و هتک ۳ از طرف چپ از با پشتیبانی بسوی موزه تشرش خود را آغاز نموده . در این موضع قسنتی از نیروی ملی که در اشکفت هه و دیان خود را پنهان کرده بودند و از موزه غریب یکساعت راه بود پشت هر دو هتک را گرفته و با وجود بیابان هوایسا و تیر اندازی هه و دیان حمله سختی نمودند . فرمانده جبهه محمه آقا سرگه سوری با همه بجهاد نری خود چنان بقلب تقوی حمله نموده که طرفین بیم در آمیختن و در نتیجه تیر اندازی زره پوش های دولتی بود که این عده مختصر عقب نشینی موقت نمودند ولی سلات هه و دیان را بشکست کشانید . ۳ توپ کوهستانی - ۳ مسلسل سیک (نوع بن) - بیست صندوق فشنگ - ۴ گلوله توپ پنجمت نیروی ملی در آینه تاده کتک کان قلعون دولتی معصود و ذسی ۵۰۰ نفر از نیروی ملی دولتی زسی هه بودند نهرمانان این نیرو معصود آقا سرگه سوری و نور و دھیروالی بودند .

جنگ هرن « جبهه غرب »

عشایر بادینان و زیاری در هرن که سه ساعت از هسرب منطقه بارزان راه است نزار داشتند . در نظر افسر دولت هران و هشت نفر از عشایر فرماندهی با همه در مسلح عشایری راه پدید گرفتند و در وسیله یکدستگاه بی سیم ارتباط خود را با فرماندهی نشون دولتی برقرار ساختند .

هرن در پشته جبهه پیرس واقع شده بود از این جهت وجود این توای مسلح در آنجا در هر حال مترواست جبهه پیرس را تهدید نماید زحم مصطفی بارزانی نقشه ای طرح نموده که این موضع تهدید کنند و از میان بر دارد تا به آسانی بتواند از جبهه پیرس صلوات متفاوتی و تشرش خود را ادامه دهد .

نقشه این بود که ملا مصطفی کوه پیرس را ترک گفت پاسی للمسلح این عده را معاصره کند و شیخ سلیمان نیز سرگرددگی ۲۸ نفر عده ملا مصطفی را در حمله معاصره تشریت نماید و در حیثی که این خوا مشغول معاصره هرن هستند از سر عزت جیدالزیز تویی را که در جنگ تیل به غنیمت گرفته شده بود و در آن موضع در هرتک نصب گردیده بود پاکتال دفته برای بیابان هرن بکار برد .

از آنجائی که مسافت هرن تا هرتک ۶ هزار یارد بود و تیررس توپ نامبرده هم هفت هزار یارد از این جهت نقل و انتقالی لازم نبود و بنض رسیدن توای ملا مصطفی با طرف هرن تیر اندازی توپ در وسیله عزت جیدالزیز و هسن را خانگیبر و متواری میساخت .

بطوریکه پیش بینی شده بود ملا مصطفی عده خود هرن را معاصره نمودند عزت جیدالزیز هم تیر اندازی آغاز نمود ولی تیر بر خلاف انتظار ۱۱ به هرن فرسید از این جهت ملا مصطفی دستور داد که عزت جیدالزیز توپ را نزدیکتر نموده تیر اندازی را ادامه دهد ولی هر قدر ملا مصطفی بانتظار عمل معاصره را ادامه میداد از تیر اندازی توپ خبری نبود ناچار پس از اینک هتک مدت شش ساعت با نهایت حشمت عده با هتک نری را معاصره کرده بود چون خبری در هرات نموده که توای دولتی به پیرس حمله نموده ناچار معاصره را ترک کرده سرعت خود را به کوه پیرس رسانید .

اما علت اینکه عزت جیدالزیز نتوانست دستور را اجرا نموده وظیفه خود را انجام دهد گویا این بود که چون دستور یافت توپ را نزدیکتر نماید و در شش تیر دادن محل توپ خبری اساسی شنیده بود که ملا مصطفی معاصره را ترک کرده بدون توجه به دستور فرمانده کل این خبری اساسی را مقدم بر دستور پنداشت توپ را برداشته و به محل اولیه خود معاودت کرده بود . این صل عزت جیدالزیز یکی از بزرگترین خیریت هائی بود که بر پیکر نیروی ملی وارد آمده و تقریباً میتوان گفت اساس شکست و این لحظ با همه فراهم نمود .

جناب آقای دکتر اسمیل اردلان
مدیر نامه کوهستان

با تقدیم مراتب بندگی تصدیق می دهد بنام آزادی مطبوعات مستعدی است در جواب اظهار کتبه بدون امضا در شماره ۷۶ آن نامه راجع به انحلال شرکت پخش کالای انحصاری و دخانیات کردستان که عقیده جمعی بر آن است عدم مساعدت اداره کل دخانیات باعث انحلال شرکت شده و عقیده شخصی نویسنده مقاله بر آن بوده که هیئت مدیره نتوانست است شرکت را اداره نماید ، چون نگارنده عضو هیئت مدیره بوده برای رفع شبهه لازم دانستم این مختصر را برش برسانم

با بودن پرورده موجوده که خود آن مدیر محترم شاهد مستقیم از تلگرافات شرکت هستند به جناب اشرف آقای نصرت وزیر و وزیر دارائی چندین شکایت تلگرافی که در وقت آن بنامه کوهستان داده ایم از عدم مساعدت اداره کل دخانیات معروض و حتی موقتی که بنده در تهران بودم حضور آقای مدیر کل دخانیات با حضور عامل شرکت نامبرده جریان و مورد کالای ناچاق و آوردن کالای نامرغوب از تهران بوسیله اشخاص برش ایشان رسانیده ولی مع الوصف ترتیب ازری نداده و بهترین دلیل بنده این است که بناسبت تحویل کالای نامرغوب به هر گز مستند در ظسرف ده ساه حرکت موقتی به دریافت سبیه شد

اداره کل دخانیات معروض و حتی موقتی که بنده در تهران بودم حضور آقای مدیر کل دخانیات با حضور عامل شرکت نامبرده جریان و مورد کالای ناچاق و آوردن کالای نامرغوب از تهران بوسیله اشخاص برش ایشان رسانیده ولی مع الوصف ترتیب ازری نداده و بهترین دلیل بنده این است که بناسبت تحویل کالای نامرغوب به هر گز مستند در ظسرف ده ساه حرکت موقتی به دریافت سبیه شد

جنگ کوه پیرس و عقب نشینی نیروی بارزانی

صبح ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۵ زحم مصطفی بارزانی با همه ۶۰ نفری دوخطی بساحت با همه یار دستگرتی شده خود را برای جنگ آماده کرد . در این موضع کوه پیرس از طرف معاصره شده بود و توای زبدهای دست به حمله زده بودند در طرف چپ حشیرت صوری با همه نفر مسلح به حمله پرداخته ملا علی زالوکی را وادار به عقب نشینی کردند . هتک لیا در حسابت بیابان هسک توپ و پنج طیاره از جنوب بکوه پیرس حمله نمود . از طرف راست حشیرت برداری ویراشی و هرفانی و دوسکی با همه نفر مسلح برش بردند از پشت سر هم حشیرت زیاری با چهارصد نفر به حمله پرداخت .

با این کیفیت جنگ نامرغوب آن روز ادامه داشت زحم مصطفی بارزانی و فراتش با استفاده از نارنجکی شب از رودخانه مزین گذشته خود را به هرتک رسانیدند . در اینجا خط دفاعی تشکیل یافت و به شیخ احمد شیر داده هه که برای درامان گذاردن حشیرت بروزی از خطر حمله هوایسا و تیر اندازی توپ باید فوراً کلیه دهات را تخلیه نموده به پشت کوه هیرین و منطقه حشیرت شیروانی بروند . این تقاضای در همان شب انجام یافت .

شب ۳۰ سپتامبر افسر سید عزیز سید هیداد اطلاع داد که به همراه سید صلح و عده ای مسلح در گانی رش (سرحد ایران و هران) آمده اجیرای دستورات فرماندهی کل میباشد در جواب زحم مصطفی بارزانی دستور داد که از راه گالی رش - کله فین و ایران دفاع نماید .

روز ۶ اکتبر ۱۹۴۵ در حالیکه نیرو های مسلح در چهار جبهه مشغول دفاع بودند نام ایل بارزان ، با کلیه اتانیه و الحام ، بانامی افراد غیر مسلح وزن و عمر و بیرو چو بان به گالی رش رسیدند در آنجا زحم مصطفی بارزانی با دوستی نفر مسلح موثره مهاجرین را از حشلات دشمن مسون داشته و در حیثی که ایل بطرف ابراه چرک ادامه میداد بکلیه جبهه ها دستور داد که بطرف کله فین عقب نشینی نمایند روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۵ کله فین که آخرین نقطه سرحدی ایران و هران است از طرف ایل بارزان ترک شد و در حالیکه آخرین سپ نیروی عراق سبل مهاجرین را بهر طرف نمود ایل بارزان به ایران داخل گردید . پایان

چاپخانه مظاهری

بهم غ - آزاد
از سفر

اینجا سقز است

امروز چند روزی است فوهای انتظامی و نهادهای حوی و کپه لشکرانهای دهنه جسی وغیره با وضع بی سابقه در این جا شروع شده است. مردمان کاسب و پیف وور و آرایش طلب اینجا به خلاف گذشته برای اینکه سری نوی سر سنا داشته باشند و یا بتوانند در هیبای دراز زمستان برای راه آمانمطلبی در اطراف سیاست روز سفرانی بکنند هر چه که چاهت شده هر یک پنجمی و مریه ای از طریق سی میکنند با افعال و مقامات ذی نفوذ و جاه طلبانه.

کسایکه بپول آقای مطیع الهوله سجازی مدارقفلان از نوك و مساختان مهاوژ نی کته با یکی و هجر از بهنگار های خودشان دوزیر گرسی دکان لم داده راجع به کایددهای و کالت و ترجیح یکی از آنها بردگیری و ورود با لوزی است و باقی و نمالیت حزب دموکرات ایران در سفر وغیره صحبت می کنند و عقاید خود را بر یکدیگر تحویل مینمایند. عده ای دیگر که هنوز با نشان یا گفتم کله خوب آشنائی پیدا نکرده و بملط حزب وادامطلب میباشند راجع به بیانی که در یکی از مراکز محل اجتماع اعضای دموکرات شنیده اند حرف می زنند.

دست ای دیگر که شاید سرهان بکلامشان لیاوزه در زاویه دیگری از کاروانسار دور هم جمع شده و راجع به تلگرافی که برای ... امضا شده اند از هدی بگری سوالاتی می کنند و چون موضوع تلگراف را نلمبیده اند هه یا هم سی گویند راجع به (وک) بی رای بود در جانی دیگر هم عده ای از جوانان که خود را مضمیری از دیگران ترس تر میگیرند اجتماع سوخته و مانده نلاسسه ای که متشکل حل یکی از مسائل مشکل فلسفی با هندی مشغول مذاکره هستند و با پرچین کردن بیفانی و حرکات سرودست نشان میدهد کله آنها هم بوی قورمه سبزی میدهد.

من که همیشه سی سی کتم بطرز تفکر افهام خصوصاً طبقه جوان که بزم خود میل دارند بر مقدمات توده حکمرمانی نمایند، بی برم با وودین باور چون بحلی که مشرف بر سر مرکز اجتماع این آقایان بود و رتم و آهسته بطوری که آنها اصلا نلمبیده مشغول گوش دادن به سخنانشان هدم اینک آنها را که در آنروز شنیده ام برای هه هم در این جا نقل میکنم:

الف - رفته سخن را بدست گرفته گفت آقایان بگداو از مادموت نکتند بگذار اذ راه امور حزب هانا به ایران واگذار نمایند شاید در زیر کاسه نیم کاسه ای باشد که لبخواند یک نفر جوان با آنلا بکنتر باسواد بحریشان راه بدهند.

لابد مایل نیستند عضویت اشغالی را قبول کنند که اگر لازم هدا از فکرشان استفاده نمایند شاید منظور آنها را فقط به قربان گفتن عده ای بسواد بیچاره

سکه هنوز معنی حزب را ندانسته تا همین میکند.

ب - جواب داد که عزیزم اگر بندرجات روزنامه ها استاد کتم نما چاریم قبول نمائیم که هدف خوب دمکرات ایران اینها نیست بیرو جوان در نظر این حزب یکسان است و با سخته چپانی که میدایم از جوانان باسواد بهتر از بیرون بسواد استقبال میکند هانطوریکه هه گفته شاید حزب فقرو ما هیئت امر فقط تابع حزب دموکرات ایران باشد و در همل با او متفاوت باشد هه با تعجب و تردید بهم نگاه کردند.

ج - یکی دیگر از حضار گفت و انفا عیب اوضاعی است مثلا یکی از افراد همین حزب بی از اینکه ۵۰۰ ریال حق وایستگی داده و تبره را گرفته بود که تنظیم نماید چون نلمبیده بود حزب چیست کله بود با یادست از سرمان بر داریه (سلف) بی چه شتا میدام این ۵۰۰ تومان و اخر مانند پولی که برای چراغ برق گرفته میخوانند بدهند حرف بخورند. شاه خنده موضوع صحبت را تیر داده و مدتی حرفهای مسولی گذراند.

بازالف گفت راجع با انتخابات چه خبر دارید آیا کله به هه آقای عباسی محرز است؟

ب - جواب داد ای بابا وکیل هدم اومرز است چه وسه بگله هه هدمش گفته شد بجه دلیل.

گفت بدلیل اینکه اولاً نسبت باو نظر لطف دارند ثانیاً ...

هه با هم عده ها شده گفتند حالا که اینطور است پس ما هم تصمیم بگیریم یکی رای بدیم و متعاقب گفتن این چه هه یا خاسته که بروید منیم ناچار چون مانده در آنجا را صلاح ندیدم بواش بواش از آنها دور شده و رتم.

بازو همالی حسینی در همدان دفتر بازرگانی آقای عمید حسینی مهابادی از تهران به همدان منتقل شده و در سرای حسین خانی افتتاح یافت و شروع بکار کرده است.

آقای سید حسینی که از بازرگانان صحیح العمل کرد می یاهدور همدان برای انجام هر گونه سفارشات و مراجعات بازرگانی و حق العمل کاری حاضر می باشد.

از مراجعه با ایشان غفلت نوزید
آ - ۵۸ ۳-۱۰۰

توجه فرمائید
مشرکین و نایندگان روزنامه کوهستان اگر تا اول اسفند ماه بدهی های خود را ارسال نفرموده باشند میتوانند نام خود را در ستون «مشرکین یا نمایندگان بلد حساب» در اولین شماره اسفند ماه آید ملاحظه فرمائید ۳-۵

بتم آقای ملی امنراج سیدجوادی در اطراف انتخابات

بیجار

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان از آنجا که من در اطراف و شیت اجتهای کردستان مخصوصاً بیجار دارای اطلاعاتی هستم که بخود حق میدهم درباره نشای سیاسی و اجتهای آنجا اظهار نظر نمایم، وهم چنین، در اثر معاشرت با مطلبین کرد، بعضی از عقاید و آراء آنها نسبت به کردستان باخیر، و نا اندازهای میخوانم، همین بی طرفی برای ابراز حقایق بوده و ذهن اهالی محترم کردستان را نسبت به حقیقت قضایا روشن نماید، لذا خواهش نمودم برادر رفیع هر گونه شبهه و تردیدی، درباره نقل و افلاطانت انتخاباتی اخیر در بیجار و کیفیت واقعی قضایا، امر بدرج این منضم فرمائید:

فرد مسلم این است که انتخابات بیجار نیز مانند کله نقاط ایران دست خوش جریانات غیر طبیعی میباشد که در درجه اول البته مایه تعجب نیست. زیرا، اسم انتخابات، کالی است که هر کس و نا کس را به طمع و کالت بیندازد.

ولی فرقی که انتخابات بیجار با سایر نقاط ایران دارد این است که در سایر نقاط، اگر مرد تالیق و غیر مستحق داعیه و کالت شهری را داشته باشد، افلا خود یا پدر و جدش اهل همان شهرستان و ساکن آنجا بوده اند، ولی بدخبتانه در بیجار کسانی برای و کالت پول خرج مینمایند که اصلا نه ساکن بیجارند و نه اهل بیجار و آن کسانی نیز که با تعصب این آقایان در مرکز مبارزه میکنند بی خودی اطلاع دارم که نه خود کالبدی و کالتند و نه اقوام و بستگان آنها، فقط صرف اینکه ساخته چندین صد ساله نامیلی در بیجار داشته و شصت آنها در سوره اهالی بیجار بعضی واضح و روشن است، از حقوق هم شهریهایی خود دفاع می نمایند. آنها میگویند: «قردی که هیچکوه نیستی با زیاد کرد ندارد، و اصلا کترین علاقه ای در بیجار نداشته و سابقه ای نسبت به روحیات و احتیاجات مردم بیچاره بیجار که هر دوره گرفتار بکنتر خارجی مینابند، ندارد، بیاید از بیجار وکیل شود. بیاید با تکسای بیگانگان خود را تحصیل بکشد مردم فقیر و بی پشت و پناه نماید. آقای بوربور که با صرف پول جسی وادور خود جمع نموده و دوسده و کالت از بیجار بی آمده است، برای ما بنویسد که چه بستگی با کرد و چه علاقه ای نسبت به بیجار دارند. ایشان مرد تحصیل کرده و بفرض معال و سوز و لاین، ولی آیا خود بیجار مردان با کفایت و شریف و با همت ندارد که ایشان میخوانند مردم را از حق طبیعی خود محروم نمایند.

از اینکه ایشان چند نفر را وادار مینمایند، که با پول ایشان، تلگراف زورکی را چاپ و کلیشه نموده و در و دیوار خیابانهای طهران جسیانته آنها ایغان قادر به جلب حقیقت شواسته بود:

از کرمانشاه کمک بانوان

به ستمدیدگان آستارا

سرکار بانو کبری صدیق و زبری از کرمانشاه حواله ای مبلغ ۴۸۵۰ ریال ارسال داشته اند که بوسیله روزنامه کوهستان به انجمن روزنامه نگاران تسلیم شود که بصرف کمک به بانوان و بچه های آسیب دیده آستارا برسانند این مبلغ در نتیجه اقدام غیرخواهان سرکار بانو کبری صدیق و زبری جمع آوری شده و ذیلا صورت اسامی بانوان محترمه ای که در این اقدام بوع برورانه شرکت فرموده اند با مبلغی که اهداء داشته اند چاپ مینمایم

- ۱- بانو شریه اردلان - ۵۰۰ ریال
- ۲- بانو نظیفه و زبری - ۳۰۰ ریال
- ۳- بانو ویکتوریا اردلان - ۵۰۰ ریال
- ۴- بانو هس آفاق اسفندیاری - ۱۰۰ ریال
- ۵- بانو حلیه مقدم - ۱۰۰ ریال
- ۶- بانو انسر شملانی - ۵۰۰ ریال
- ۷- بانو اشرف مقدم - ۱۰۰ ریال
- ۸- بانو ملک اردلان - ۱۰۰ ریال
- ۹- بانو مهری شاهنده - ۵۰۰ ریال
- ۱۰- بانو صدیقه آصف و زبری - ۳۰۰ ریال

- ۱۱- بانو غنچه مرتضوی - ۲۰۰ ریال
- ۱۲- بانو میرالطوفان اصغری - ۲۰۰ ریال
- ۱۳- بانو ملکه اوسدی ناسی - ۵۰ ریال
- ۱۴- بانو امیر پرویز - ۲۰۰ ریال
- ۱۵- بانو کبری صدیق و زبری - ۳۰۰ ریال
- ۱۶- بانو ولیه احمدی - ۱۰۰ ریال
- ۱۷- بانو عفت دولت شاهی - ۲۰۰ ریال
- ۱۸- بانو نازان دولت شاهی - ۲۰۰ ریال
- ۱۹- دوشیزه شهلا صدیق و زبری (کودک چهارساله) - ۲۰۰ ریال
- ۲۰- بانو پرهشکیور - ۲۰۰ ریال

جمع ۴۸۵۰ ریال
برای هرکت در این اقدام نوع پروانه به پیشقدمی سرکار بانو کبری صدیق و زبری انجام گرفت سرکار بانو محترم السلوک اردلان هم در تهران مبلغ باسده ریال ارسال داشته اند که به ضمیمه مبلغ فوق به انجمن روزنامه نگاران تسلیم گردد

عجب است، ایشان آهسو خود را علاقه مند به بیجار نشان میدهند که حقایق را که بتم جوانان دانفتند و مبارز بیجار که هزاران بار بیشتر از ایشان بشهر و دیار خود علاقه دارند نوشت میشود بوسیله تلگراف چند نفر معلوم الحال تکذیب میکنند. آقای کاسه گرتی از آتش آقای بوربور لیستته در خانه با سلطنت از آقای مهیر محترم کوهستان از آقای بوربور خواهش میکنیم که اگر در صد پاسخ به حقایق نویسدگان با هیفیات بیچاره هستند، افلا با منطق و دلیل بنویسد تا مردم مردم آوری نمایند و افلا با جلوه وادان حقایق خود به جناب آقای غوام السلطنه بوسیله تلگراف اهالی که شوخبتانه در ایندوره مسرسم و مسول هه است نی توانید برده بروید حقایق بکشید زیرا نام ما چون از دوری آتش روز سالیان حقوق مردم را محرمی و بیرفک آن ها را خشتی مینمایند.

کرد و کردستان شهر اروان

-۲۸-

روز ۲۸ ذی‌قعدة ملا عبدالرزاق شيخ الاسلام مراجعت نمود و رودزوشنه ۱۸ فی صبح ملا باقر شيخ الاسلام فرود کرد

حکومت شاهزاده جلال الدوله پس از عزل سالار الدوله در ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۳ حکومت کردستان به شاهزاده عبدالحمین میرزای جلال الدوله پس ظل السلطان واگذار گردید. روز چهار شنبه ۱۱ محرم ۱۳۲۴ وارد کردستان شد.

پیشکار او سهام نظام بود. این شاهزاده بقدری متکبر و خودرأی بود که جرئت نداشت نذر عشاء احدی را فرود رود اذن جلوس نیداد.

ایمان و ملائکه برای اینکه او را مغلوب خود کنند که با نظر احتیاج آنها را تالی نماید فرج ناک و گنجه را بالا برده اهالی همداستند و شروع بشکلم کردند.

شاهزاده فوراً ملائکن را احضار کرده اداره اروان تشکیل داد و از همه التزام گرفت که تا سرخرمن از فراز ماهی هزار خروار گندم تحویل اداره اروان بدهند و در مسجد دارالامان اقرار کنند.

ملائکن دیدند که از راه اروان هم نتوانسته او را رام و محکوم کنند ناچار تهاوت هائی به او زده شروع به تملینات نمودند و در سینه بنی و تملینات قلوب نمودند.

بالاخره روز جمعه ۲۳ ربیع الاولی صوم روساء و برجسته گان قوم برجست نهادیکه درین بود در منزل مشیر دیوان جمع شده در مسجد جامع به اهل جماعت ابلاغ نمودند که هومادر مسجد هاجر مغان جمع شوند و منزل حکومت را از دولت بطور امانت بگذارند. پس از آنکه صوم اهل شهر در هاجره خانون جمع شده تلنگران بدولت عرض کردند که کردستان گویک است و خایسته هاجزادگان نیست تنها داربسم بکنفر درستکار خوش عمل را که شاهزاده میباشد بحکومت کردستان اقرار نماید و این نسبت را بجای دیگر بپرستند که استغنان اخلاق او را داشته باشد.

صبر دو هفته ۲۶ ربیع الاولی تلنگراف حول مشارالیه و حکومت وزیر هابون رسید و شب سه شنبه ۲۷ ربیع الاولی شاهزاده اواخر شب از بی راهه خارج شده باغتاب و همسایر تهران گردید. وزیر هابون بیایست حکومت را تلنگرافا بجای سردار مکرم و مشیر دیوان بلااشترک واگذار نمود.

حکومت میرزا مهدی خان

وزیر هابون

میرزا مهدی خان نام مقام کاشی که وزیر هابون لقب داشت روز هشتم جمادی الثانی وارد کردستان شد.

چهار روز پس از ورود حکم و هفت و پیشکاری را به میرزا هوسف مشیر دیوان داد.

روز جمعه ۵ جمادی الثانیه یعنی یکروز قبل از ورود وزیر هابون ملا عبدالرزاق شيخ الاسلام برای احراز شيخ الاسلامی بجای طهران حرکت کرده جس را هم از جمله ملائکه شی سلمناح السلطان و شيخ علی ثقة السلطان و غیره همراه خود بطهران برده بود در اوایل شبان برش اسهال دموی مبتلا شده در ۲۵ شبان بجوار رحمت حق می فتاد نشر او را در رمضان وارد شهر کرده.

در اوایل این سال دو باره زمونه مغرور طبع در تهران تجدید شده مردم برسبه اجشاعات و شب نام حاضر و به گفتن ناگفتنی ها و تملینات عامه و درخواست مشروطیت گردید. هر چه شاهزاده عن الدوله عبدالحمید میرزا شواسته با تعویض و تهدید و تشویش و تهدید مردم را ساکت کند و از احساسات اهالی جلوگیری نماید بکس آن بآن بر جرئت اهالی افزوده مغلوب و سریع تر و واضح تر اظهار میکردند و جدی تر می نمودند.

پوشیده نهادد ایرانیان همان اندازه که جسور و جری هستند همان اندازه هم مستطاب و باریک بین میباشند. ملت ایران تا آنکه گاهی بالاتر از دولت ایران گمان می بردند قضایا هم با این بسارت نمی نمودند مسطور دولت و دولتیان نیز تا پیشینان قوی تری از توده و معرک آن سراغ نمی داشتند تا این درجه پانشاری و خود داری نمی کردند.

اصطکاک این دو قوه باطنی سبب شد آتش آشوب بوزد و خورد بین دولت و ملت در گرفته و قتل و کشتار از وحله خیال قدم بپوشه عمل گذاشت. آتایان سید عبدالله بیبانی و سید محمد طباطبائی و سایر علماء و بشوایان از آتایان پیش آمد سر اسیده راه کتاب را پیش گرفته و معتقاً در قلم مشوقت گردیدند.

اهالی تهران هم در سفرات انگلیس سکه پناه گاه جامعه بود متحصن گشته سفارت بسا حسن بیان شاه را از سوم حرکت عین الدوله مستنصر داشت شاه عین الدوله را معزول و میرزا نصراف مشیر الدوله را مصادرا عظم قرارداد.

شاه و صدراعظم جدید چاره کاره را دادن مشروطیت دانسته روز ۱۴ جمادی الثانیه ۱۳۲۴ بوردستخط دیگری صادر شد که مجلس شورای ملی افتتاح و دولت ابراه مشروطه شود.

اهالی تهران در اواسط شبان ۱۳۲۴ و کلاه خود را انتخاب نموده امر صادر شد که مجلس در هاتر

((تهنیت))

آتای صدیق وزیر پیشکار دارائی کرمانشاه که از مامورین فعال و صاحب متینان خدمتگزار و ذوات دارائی میباشند حسن هرج مورثی که بناسبت بایان و نایب آذربایجان به جناب آتای نصرت وزیر نوشته اند اشعار ذیل را نیز سروده ارسال داشته اند که اکنون از نظر خواننده گان مستریم بگردانیم عذایا شهنشاه را زنده دار خدای که بداد خدای جهان شهنشه که اینک زمان همام جوان فکرو دانا و روشن ضمیر نوام آنکه بانگ روای روزین هوار آفرین باد بر اسرآن که اندر ره آذر آباد گان تین شد گریه برانی از جان خویش کنون کر وجود غه پهلوی بگویی با بگلد و بگزیان

خیر خواهی محض - خطاب به کردستان

همه قسم امتحانات خود را نیز در طول مدت سی سال داده ام گمانی داشته و خود از زدنم و مغلوب سرانرا از میدانم و بدیهی است که در اظهار نظر من اغماهی حاصل نخواهد شد.

اما در قسمت انتخاب نمایندگان کردستان (منتدج و نواب و مضامین آن) لازم است یاد آورم چون بر هر فردی از افراد کشور واجب است در انتخاب نماینده صالح و امین و با تقوی که بصیرت او شایسته ملی دینا هم بوده باشد سعی کاملی و معطالنه دقیق پس از آوردن نامه دو چلو مشکلات غیر قابل جبران و نه است لغوه.

اینجاب با اطمینان کامل منتدم که آتای فرج الله آصف و آتای دکتر اسمیل اردلان السب و اصمغ خواننده بود چه آنکه نامبرده اول در مدت چند دوره نمایندگی سابق مسلم داشته است که شخصی امین و مبین دوست دوسه رفتار و کرداری است. نامبرده دوم نیز که متولد منتدج و از هر چه واجه شرایط نمایندگی میباشد کاملاً صلاحیت این مقام را خواهد داشت زیرا علاوه بر تحصیلاتی که در داخل و خارج نموده است واقف به وضعیت امروزه و دلاری ملکان فاضله و امانت دواریه لایله هم خواهد بود البته این حسابی برای هر

متصدی امری از امور مربوطه به چاسه ملت لازم است و شرط اول کار اوست خصوصاً نمایند پارلمانی هر شهرستان که بالاخره نمایندیک کشور منصوب میشود بطریق اولی ضرورت دارد که متصف به اوصاف مذکور بوده باشد تا بصحیحاً بتواند وظیفه سیاسی و دپاتی خود را انجام دهد: «توانا بود هر که دانا بود» امید است که انتظاف هم میان هر دو این نظریه آرایش وبدون شایبه و غیر نخواهد مرا بپندیده و از راه راست منحرف نشوند

میر محمد علی مشیری
(مشیر الاشراف)

کوهستان - از این حسن نیت که نسبت به مدیر روزنامه کوهستان فرموده اند میاسگداریم. اگر صدیر ما در طی این مدت نتوانسته است وظیفه خدمتگذاری را نسبت به همسپان انجام دهد نماینده سر پایندی است و این معصیه که نوبه احساسات پاک آتایان عظام است خود بهترین یاداش خدمتگذاری میباشد.

آتای مدیر محترم روزنامه کوهستان متنی است که این مختصراً در نامه گرامی درج فرمایید. همسپان عویس آگاه هستند از تاریخی که اینجاب برای کارهای مردم در وزارت شاهها از کردستان (منتدج) به تهران آمده تا کنون به وطن مالموف خود نیامده و ملت نفعان بدمر ولایت به بازگشت نکرده ام و بهیچ وجه ضرر و زیان مادی زیادی بر این روی داده است در عین حال عشق و محبت به میهن خود را همیشه در سر داشته و با تجارب و اطلاعاتی که در مدت متجاوز از سی سال حاصل کرده و در کوراه حوادث زمان و خدمات مهم قضائی کشور ایران بود هم تقسیم داشته ام که لای الاقتضا هم همسپان مزبور را هم از راه غیر صلاح و سواب آگاه سازم بنابراین فعلاً که مقتضی موجود است و آزادی انتضایات دوره پارو هم مجلس شورای ملی از طرف دولت آگهی شده و شروع با پیام کرده اند تذکراً و برای احترام از مسئولیت وجدانی نظر شود را با اطلاع صوب میرسانم.

این قسمت را پس از ذکر مقدمه بالا یاد آور میشود که همسپان عیوحت طالب و کالت مجلس نبوده و بیستم زیرا همین خدمت ثنائی بملق را که در ضمن آن

بپارستان منتقد شود چون شاه در این هنگام مریض بود ولیمه را از تبریز بطهران خواست. نظامنامه اساسی که تمام شده بود در هفده ذی قعدة ۱۳۲۴ بصدقه شاه رسیده ولیمه و مشیر الدوله هم مهر گردن روز بد که ۱۸ ذی قعدة باشد شاه فوت کرد و کله «عمل مظفر» سال تاریخ مشروطیت شد.

چهاردهم ذی قعدة ۱۳۲۴ مصدعی میرزا برتخت سلطنت جلوس نمود تاج گذاری کرد سپس تحریک اطرایان شاه بنای خدمت با مشروطیت را گذاشت مشروطه طلبان هم در مقابل بر عده اینمین ها و اجشاعات افزوده و جدا مقاومت کردند.

بالاخره مشیر الدوله استعفا نموده هاج میرزا علی امرخان اتابک را از فراتخواست که شاید پانتهیر او بتواند اساس مشروطیت را بهم برسد.

روز دوشنبه ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۴ هم وزیر هابون معزول و حکومت کردستان به تنالک واگذار گردید

وکیل ما

محترم مدیر محترم جریده کوهستان -
 پاره‌مستان و تشکر از درج سربوت سابق اینک فصل دیگر را در آن موضوع
 حسب الوعدہ بزبان کردی نظم و تدبیر نمود . البته در توبت سوم بصرات
 لایحه و بیان تحصیل کننده و حقیقت جریان را در عرض اطلاع عموم آزاد پاره‌امان
 بجهت ادرام .
 شتاً خاطر عالی را آگاه می‌نمایم که غرض بنده مطالب و کلامه پاکانه بد
 نسیم و بکانه بد معنی هم نظر خاصی ندارم و این اظهارات روی ایشان و عقیده
 است باینکه باید انتقادات آزاد و مناسبت‌کنان از اعضاء لایق و مفید جمال
 منسلک انتصاب شوند .

« م . ج »

له پاش تدهی عرض احترامان
 له پسر توشیحی رضی الله‌عنه
 به کوهستان کسر او رده داوره
 و کم تدهیم او همرانه مار سه
 تده او تدهیم او دو باره
 سکر تدهیم و درسی اظهاره

وکیل ما چاکه سیاسی بیت و عواید

له رضی داخله و خارج تبردار
 له گل راست و چپا برای پاک
 هلاک و همی سرفه آو و خاک
 جبر اوله لنگر راست و چپ می
 چپ و راستی بلاه هسره کپی

بند می و عاروای نمودن قانون
 له بینه آتی دمی کبیر
 لوابح گر جود مجلس به دفع
 بیان کسارای خوبی منلی و منبه
 صلاح و سرفه کشور پسینی

له بر اصلاح و آبادی و عمران
 علاقه خوبی به کشورهای نمایان
 له پسر تحصیل تربیت بنا تحصیل
 بکامر حیب و عساری او تحمل
 نکا هرگز هوای پارک و عسارت
 نسخ ولایتیک دولت هو تیاوت

له گل ما روسی بکابریان فراراده
 و گو بیک ملت مشتاق و آزاد
 سطر امریکا و انگلیس و روسی
 به تدهید و به پاره و چپا روسی

سرسی اوله ن پرچند فروشی
 مناج مان به بیگانه فروشی
 هنا هر یک سرورک ایست و این
 امیر و مجلس و رورت و گدا بین
 به تروی و آبرو زهد و شجاعت
 بکامر حفظ حقوق ملوک و ملت

له دل در گاشیال جاه و تسرت
 بیانه سر در سال دوران خدمت
 باین « عباسی » بوم در ده و تندان
 اگر سر بار له بسی نایب در زمان

له پرچند سال له سو پیش اوجی سو
 که کسار پارلمان آله بسی سو
 کسفت او دوره نادر خان و ناهید
 وکیل بون بی نم و اعوه و نزدیک
 ولی ام دوره زور دهواره مجلس
 بشین مردم هسره و بیکاره مجلس

طرف زور دار سو کردن گلشن
 له بو پیشرفت منظومست و ملتن
 بی « عباسی » غسوی اوباب دی به
 له کشت زور عدا منلی به بی به
 له سورا مسافره سو ضبط مصول
 له گرماج چاک دینی تون و بول
 رحمت زور له پسر و صبا ذلیله

له لایسان اسیری وحی جبریل

پلم آتای سمد علی کوردی
از عراق - کمری

مدارس کوهستان عراق

وقتی بگویم یکی از مثل پیشین
 مانده سومر بها و آکاد بها و غیره مترش
 شده مقصود این نیست که خاک آتان
 زبور زبرنده باشد و با ابر آتینی از
 آسان آمده است آتان را طبع حریف
 و آتش سوزی فرار داده باشد و با طوفانی
 عقیم آنها را به دریا افکنده باشد و با
 دهنی بیرونند عسکی آنها را کشتند
 نابود ساخته باشد بلکه نمه تاریخ از
 انراش ملت هاین است که در انسر
 معمولی عادات و زبان و آیین و رسوم
 آنها از میان رفته عادات و رسوم
 دیگری تحت یک نام دیگر جای آنها
 را گرفته باشد .

مطلوب وقتی که گرفتارینجه
 نوری مثل غالب واقع می‌شود کوهستان
 این است که عادات و رسوم آنها دست
 نرسوده باشد تا زبان و رسوم را که
 اجداد آنها برایشان چپا گذارده‌اند
 آنها هم برای انقلاب خود بیکسارند
 بطوریکه نسل‌های بعد اجداد خود را
 را آموزش نکرده و عسادات را ادرست
 ندهند .

هین اصل باعث شده که کردهای
 عراق که اقلیتی از اکثریت هریند چینی
 بار از حکومت عراق درخواست کرده‌اند
 که بزبان کردی بخوانند و بنویسند و
 زبان مادری آنها همان اهمیت زبان
 عرب را داده باشد لیکن با وجود وعده
 ما دولت عراق باین رعایتی به نیولو
 انجام داده عسکی خود در این موضوع
 نتان نیده

وزارت معارف عراق در هر آبادی که
 دارای قومیتی بین ۱۵ تا ۲۵ نفر
 باشد یک مدرسه راهبر کرده لیکن در
 میان صدها آبادی پررنگتر که در کوهستان
 عراق وجود دارد مدرسه ایجاد نشده است
 وزارت معارف عراق در نوبه‌های

پروک مدارس متوسطه عربی راهبر صورتی
 که در تمام نوبه شمالی کردستان غیر
 از یک مدرسه متوسطه در گوری سنجن
 که آنهم بخرچ و همت خود اهالی
 افتتاح شده و بعدا معارج آرا دولت
 عهده داده مدرسه دیگری وجود نه‌اره
 تا بحال چندین بار تقاضای تاسیس

یک دارالمعلمین به جهت تربیه معلم از
 دولت عراق شده و این طبعی است که
 معلمی که به زبان کردی معلم آموخته باشد
 و بخواهد بجهان زبان برای مردمی که
 آن عادت را دارند درس بگوید

ولی یک سالکی کسی سبید کسی
 به تشریفات ثانوی دبستان بی
 له حق گبر لانهم او بی خطایه
 له سرپا هیچ بو او ادعا به
 کسی او لکسریه هینا به بو بی
 له و و لاره دبی پشی له او کین

و کسی که در حل مشکلات را می بینیم
 و از این جهت که صلاح دولت را در
 این میدانیم که بیشتر توجه فوده و
 یک سوم خاک خود را با ساکنین تاراض
 و ناامیدی نگاه ندارد بلکه خوب و صلاح
 این است که کاملاً متوجه بوده در قسمت
 تعلیم و تربیت ساکنین مناطق کردنشین
 وسایل کافی فراهم نماید و از حقوق
 بشری این مردمان را بر خود دار
 سازد .

آسان تر و مقبول تر است ولی با وجود
 این تا بحال جوابی به این درخواست داده
 نشده است
 یکی از مسلمین عرب که هس با
 انسانی بود برای من حکایت می‌کرد که
 یکسال دو یکی از آدابهای معالی
 که گردنشین است ست مسلمی قرأت
 عربی را داشته و این درس را در کلاس
 چهارم می‌داده چون بیجا زبان کرده
 صحبت می‌کردند هر قدر می‌گویند
 نمیتوانست آنها را از موضوع درس
 درعت حالی کنم دوستی ادرس که
 میبایست از شیشی بحث بشود با افاره
 چیزهایی میگفتند ولی در موضوع انزال
 چون تمثیل آن سکن بود نمیباید آن
 به بیجا برابیم نمیرسکن بود از این جهت
 یکسال تمام درس دادم و بیجا
 استفاده ای ادرس نکردند .
 خود اینجاب وقتی در مرکز ناحیه
 گردن خدمت می‌کردم آنها دارای یک
 مدرسه کامل ابتدائی بود مسلمین عرب
 به آنها برای تدریس فرستاده چندان
 طول نکشید که مدرسه کامل ابتدائی
 به مدرسه سه کلامه تبدیل شد باز در این
 مدرسه یک معلم عرب و یک معلم کسود
 فرستاده معلم عرب چون نتوانست در
 آنها خدمت کند ناچار فرار کرده خود
 را بجای دیگر منتقل نمود ولی معلم
 کرد ماند و مدرسه منصرف شد به سه کلاس
 یا یک مسلم کرد .

شاگردانی را که دولت معارج از
 عراق پشی به اروپا یا امریکا برای
 تحصیل می‌فرستد اکثر از این عرب ها
 انتخاب می‌شوند باین جهت تحصیل کرده
 های خارجه دیده فقط منحصر به سه
 اشخاصی که سرمایه دارند و می‌توانند
 به خرج خود در خارج تحصیل نمایند .
 اگرچه دولت برای زبان کردی
 بموجب قانونی رسیدنی شناخته و اجازه
 داده که در مسکاتیات روسی و معادرس
 زبان کردی استعمال شود ولی تا بحال
 برای تهیه یک کتاب لغت از عربی به
 کردی و یا ایجاد آلبین برای بسط
 زبان کرده اندامی مسئول نگردیده است
 ما در حل مشکلات را می بینیم
 و از این جهت که صلاح دولت را در
 این میدانیم که بیشتر توجه فوده و
 یک سوم خاک خود را با ساکنین تاراض
 و ناامیدی نگاه ندارد بلکه خوب و صلاح
 این است که کاملاً متوجه بوده در قسمت
 تعلیم و تربیت ساکنین مناطق کردنشین
 وسایل کافی فراهم نماید و از حقوق
 بشری این مردمان را بر خود دار
 سازد .

از ییجار
حزب دمکرات ایران در گروس به سرپرستی آقای جدهان سلطان مراد تشکیل کرده است .

از اداره فرهنگ سقز اطلاع میدهند

- ۱ - وضع مدارس نسبت به سال گذشته بطور محسوس بهبود یافته
- ۲ - تعداد دانش آموزان تقریباً دو برابر شده
- ۳ - فراتر توجه رئیس فرهنگ گردستان اعتبار و بودجه فرهنگ سقز افزایش یافته و نسبت به دانش آموزان بی بضاعت از حیث نوشت افزار کتبهای آموزشی شده
- ۴ - امسال هفت باب دبستان جدید با استفاده از همان بودجه سابق در دهات اطراف سقز افتتاح یافته است
- ۵ - کلاس سالندان در حدود ۶۰ نفرها گرد دارد که شبانه مشغول تحصیل میباشد
- ۶ - امسال در مردم علاقه بیشتری به فرهنگ معافه میشود

کوهستان - اسماعیل واریم اولیای
معلم فرهنگ باجدیت خشکی ناپذیری در تشویق مردم به فرهنگ کوشا بوده و مخصوصاً در تعلیم تربیت بچه ها کوشش فراوان میدول دارند زیرا اساس پیشرفت یک جامعه فرهنگ آن است اگر فرهنگ عقب مانده و خراب باشد آن جامعه محکوم به پردگی و زوال است و اگر جامعه ای دارای فرهنگی مرتب باشد می توان بر تمام مشکلات فائق آمده سعادت نسل های بعد را تامین نماید بنابراین نه تنها وظیفه اولیای فرهنگ کوشش در بسط فرهنگ است بلکه صوم طبقات و جهاد نمودن در این راه عسکاری میباشد

از گامیاران

در روزهای ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ آتای اردلان رئیس محترم فرهنگ گردستان برای بازدید و رسیدگی با امور فرهنگی حوزه گامیاران تشریف فرما شده روز واپه بازدید بهستان که در اوایل ۱۳۴۸ دانش آموزان و همکاران سرگلفی گلاس سالندان برداشته .

آقای رئیس فرهنگ ضمن اظهار رضایت از عملیات مدیر و آموزگاران دستورات موکدی راجع به بهستان های آساروله شایینی و تاسیس دبستان لادن سعادت صادر نمودند

اهدایان خشکی ناپذیری آتای رئیس فرهنگ در پیشرفت امور فرهنگی این نواحی در غور امتنان و ستایش است .

برای توجه وزارت فرهنگ نامه آموزگاران ییجانی فرهنگ گردستان

مقام جناب اهراف آقای نواب السلطنه نصرت وزیر محبوب محترماً عرض می دارم نامیدی و پاس مخاطب دوره بهاتی بر آن وارد ارمان کرده که برای رستگاری از وضع پر آشوب زندگی و نجات از دست فشارهای شدید هزینه کسرشکن روزمره زندگانی به آن جناب متوسل شده و دعا خواهی نمایم .

بطوریکه استحضار دارید عده ای از آموزگاران ییجانی دارای حقوقی قلیل میباشد حتی اگر این طبقه تحصیل کرده را با خدمتگزاران جزء مقایسه فرمایند از این حیث کوچکترین تفاوتی ندارند ای بسا ممکن است که خدمتگزاران جزء حقوقشان با لباس و سایر مزایا بیشتر از این عده مفلوک باشد ضمناً اضافه نمیشاید دولت وقت اولعناذ دلجویی و تسرحم بکارمندان اخیراً لایحه گذاریده که کارمندان ییجانی کشور به روسی تبعیل شود بدینسان این لایحه نیز کارمندان را که بعد از سال ۱۳۲۱ داخل خدمت دولت کرده اند از استفاده این قانون محروم داشته بنابراین عرض می شود که استناد داریم مصلحت نومی میدول فرموده طریقی اتخاذ فرمایند متوفان این عده کارمندان ییجانی را بنحوی ترمیم فرمایند که افلا ایجاب تفاوتی در مورد حقوق خدمتگزاران ییجانی کشور یا خدمتگزاران جزء حاصل گردد

آموزگاران ییجانی اداره فرهنگ گردستان

کوهستان - البته باید تصدیق نمود که وضع آموزگاران ییجانی گردستان رضایت بخش نیست اینان که باید روزی چند ساعت وقت خود را صرف تعلیم و تربیت اطفال نابینا و اغلب در نواحی دور دست و دهات مرزی مشغول خدمت هستند باید بیشتر مورد توجه وزارت فرهنگ بوده و از نظر مادی وضع آنها بطوری باشد که لشکریان حاضر برای کار و خدمت باشد .

بنابراین از وزارت فرهنگ انتظار داریم به تقاضای فوق که قطعا از فرط استعمال کارمندان ییجانی محروم شده توجه خاصی میدول فرمایند .

از سنندج

آقای احمد صالح زاده تلگرافنا اطلاع میدهد که در شماره ۷۷ کوهستان اهتباها نام ایشان جزو هیئت نمایندگان گردستانیان ذکر شده زیرا ایشان چند سال است از تجارت دست کشیده و فعلاً هم در گردستان هستند نه تهران

دنیا و ایران

بقیه از صفحه ۲

حزب کشاورزان و پیشوای نمایندگان دولت لپستان مسئله انتخابات لپستان یکسورت جدی وجهانی داد انتخابات لپستان که طبق قرارداد با تالی میباشی در محیط امن و آزادی انجام گیرد مورد اعتراض دولت امریکا قرار گرفته مور او سکی نصرت وزیر لپستان اظهار داشته است که دست های دمکرات لپستان بیش از ۶۹ درصد از اکثریت و ایدست آورده اند و در خورد های هدیدی در هفاط مختلف بین بیروهای دولتی و انتصاب کنندگان روی داده است ، انتخابات لپستان گذشته از جنبه های داخلی خود را لحاظ جهانی اهمیت بخصوصی دارد دولت لپستان در پاسخ دولت امریکا نامه نگاشته و در طی آن بدولت مور بو وطنیان داده است که انتخابات لپستان کاملاً مطابق قانون اساسی آن کشور و همچنین طبق موافقت نامه بشمام انجام میگردد و دیگر لازم نیست بین این دو دولت در این خصوص مکاتبه شود

موقبت جهانی لپستان ، سیاست های مومری که در کشور مور بر منافع دارد و انتظاراتی که از نتیجه این انتخابات دارند و وضع صحیبه در لپستان بوجود آورده اند ، بدعا شاید بروی مور توان نمید که این انتخابات چه عکس العمل جهانی بخواند داشت

نظر کلی بر ویدادهای جهان

ناظرین امور سیاسی هوروی بنشور تپه گراوشی و اجمع بوشع فلسطین بآن کشور مسافرت خواهند نمود میگویند دولت شوروی متذکر است که مسای فلسطین باید هر بلزود به سازمان ملل ملق جنف رجوع شود . چنگ هنوز در آن به ترمیم ادامه دارد و نمایندگان برمه دو نهن بضالیه سیاسی مشغول هستند و نتیجه این فعالیتها بروی ظاهر خواهد شد چیرچول انجمن بنام اروپای متحد تشکیل داده است .

بادهامان روسای جمهوری های عربی در پایتخت عربی سعودی یکدیگر را ملاقات خواهند نمود - امیر عبداذ از مسافرت بترکیه مراجعت نموده نماینده برزیل در هورای امنیت فون کرده و وزیر امور خارجه ایتالیای استمفا نمود .

آبروی امضای خون را نبرید

از همان هنگامی که اولین شماره روزنامه کوهستان منتشر شده در تلگرافاتی که از نواحی مختلف میرسد ما باین موضوع پی بردهیم که اغلب مردم بدون توجه مطالبی را امضا مینمایند که برخلاف عقیده خودشان است خوب بخاطر داریم در یک موضوع تلگرافی امضا شده بود که برخلاف واقع از شخصی تشریف کرده بودند و یکی از امضا کنندگان ضمن مراسم ای بیابو شده بود که امضای که در ذیل فلان تلگراف کرده ام بخواهش چند نفر بوده خواهش داریم بآن ترتیب اثر ندهید زیرا برخلاف واقع است

یک نوبه دیگر عبارت از تلگرافه های است که می آورند و مردم را مجبور بامضای آن میکنند البته وقتی چنین تلگرافی برسد بر سهایت احترام امضا کنندگان ، چاپ نمیکند ولی چون خواننده که مطلع بر اوضاع باشد آن تلگراف را بخواهد فوراً متوجه میشود که اجباری است

تفسیر این تلگرافها را هم زیاد چاپ کرده ایم .
ضمن این مدت بارها این موضوع را یاد آوری نمودیم که بی جهت از کسی تشریف نکنید و آبروی خط و امضای خود را بریده هر چه را برسر آن عقیده دارید امضا کنید ولی این روزها که بازار تلگراف رواج دارد و عده ای از هر جا بی خبر گان میکنند همین که تلگرافی بامضای چند نفر رسیده فوراً چون آب های آسمانی مورد قبول واقع خواهد افتاد .

لازم می دانیم مجدداً یاد آوری کنیم که دست نایبه آت دست دیگران نشوید و مطالبی را که برخلاف واقع و برخلاف عقیده شماست بخواهش یا باجبار امضا نکنید .

البته آن کسی که در مقابل چنین اسخاها بولی در پانت میدارد از این یاد آوری بر کار است زیرا عقیده و حیثیت خود را فروخته و چیزی برایش باقی نمانده که برای نگاهداری آن مراقبتی لازم داشته باشد ولی کسانی که دارای حیثیت هستند باید در نگاه داری حیثیت و آبروی خود قدری دقت نمایند .

اسرار بازرگان

که بصورت باورنی در این روزنامه انتشار یافت تا دو هفته دیگر بشکل کتابی در دسترس علائقندان قرار خواهد گرفت .

بهاء هر جلد ۲۰ ریال میباشد برای خارجه هزینه پستی هم بآن اضافه میشود

آگاداری

باورنی کراوه کالی ایبه له عراق دانا کو ایستا بیاروی روزنامه بان بومان نه ناردوه بدل اشتراکه عدهی کیش له مشترکینی ایبه که پیشتره روزنامه و عشق ده تروانی به انتشاری شوق ادامه بیا که باورنی بی .
میوامان واپه که خوبنده وار خوفه و بستگان باعث تطیلی روزنامه کوهستان بین و به زودی مطالباً تیگنان که عده بی بومان بشیرن

- ۱ - اگر میخواهید بروزنامه کوهستان کمک کنید
- ۱ - وجه اشتراک خود را بفرستید
- ۲ - در معرفی مشترکین جدید و تقویق مردم با اشتراک جدیدت فرمایید
- ۳ - آگهی های خود را برای درج در کوهستان ارسال فرمایید
- ۴ - ابراه عالی را که راجع بسندرجات آن داره به برای ما بنویسید .

کوهستان

باهالی محترم گروس

پایه از صفحه ۱

من منظور عالی تر و منقول تر از آن بود که برای ارشای خاطر در با سه عنصری صلاحیت دست از مبارزه بردارم مبارزه من مبارزه اصولی و عدلی بوده و هست من در سایه اتکا به فکر منطقی که بدور محور استقلال و سوابق و آزادی ایران گردش می کند میگویم و می گویم که اگر برادران عزیز من امروز دنیا در یک راه مستقیم و بدون انحرافی رو به جلو رفته و خود را از رگ و کوه و سکون بری و آزادی کند می گویم و می گویم که باید در این روزگار پر آشوب که کشتی استقلال و سعادت ملل را فرور و اواده افراد و آحاد کشورها حراست می کنند ما هم از خود حزم و اراده آهنین و مستحکم نشان دهیم

می گویم و می گویم که باید در سایه اهدار و مقصد ایران به پیشرفت و خرابی ما را آینه گرد و نرزدندان خود را از گزند و آسیب حادثات خود دور آمان نگه داشت می گویم و می گویم که اتکالی به اجنبی پرستان موجب اهدام و انحلال اساس موجودیت و استقلال ما خواهد کرد

برادران عزیز ... در بسیاری از موارد که وقت و فرصتی دست داده با شما از این ملال و بخت هادر میان نهادم و آرمان و عقاید خود را در پیشگاه انکار بلند مرتبه و محکم شما عرضه داشتم و شما با صفا و بی غش پست پرده های بی غبری بود و اتفاق ساختم ولی عزیزان و برادران بزرگوار و دشمنان ما، دشمنانی که در تمام شتون زندگی ما همچون هیچ مرگ برده نلرز و نترسد گسترده اند در لغات کلمات خائنه و ناجورانه خود بر روی هر ایش دلخواه من نشن و او درن کشته و دشمنان شما برای اینکه درین شایسته اظهار وجود بانی نماند دیار ما لیب را به هیچ رو اهی خرد و مقلد اد کرده و شما را مستحق و سزاوار برای ادامه همان زندگی نامیده و با شما از راه مکر و تزویر راه آمده

دشمنان شما در قافلی که من بکنه و تنها بیاباره بر خاسته بودم بر علیه من به فعالیت های مذبوحی دست زده ولی من به اتکالی پیشینیان شما مردان اصل و با شرافت و جوانان ساسر وطن پرست شما قلم خود را و قلم خدمت به شما کردم و از دشمنان نیز امیدم و از انفراد بهره از او تریب نمودم برای حفظ شرافت و آسودگی وجدان خویش به پیامها و نامه های آنان ترتیب اثری ندادم و وعده و وعیدهای آنان را پس و نا چیز خردم و آنان را کوچکتر از آن دانستم که بپایه منمر کرد نصیبی کرده تهست و انفرادی بهره

شوازی بدهند

برادران عزیز - من در این مبارزه قور و ظلمت حق و باطل خدا را شاهد و ناظر قرار میدهم که با تمام وسع قدرت آشنایی و تماس با این و آن از راه اول خود منحرف نشدم و از هیچ فکر باطلی کسب اثر نکردم و از هیچ پاره و در خاطر چیزی منقوش نساختم

برادران عزیز - من با تکرار و تاکید مطالب سابق بار دیگر بشما عرض میدارم که روزهای دین و حساسی از تاریخ صبر ایران می گذرد و روزهایی که اثرات آن بر حفظ موجودیت استقلال ما کک شاهان و واثر خواهد نمود ...

این روزها را ما میتوانیم با حفظ خودسردی و خالت و سیاحت اساسی مناعت و قدرت طبع به نحو مطلوبی به مرحله پیروزی خود منتهی کنیم، چنی در این دوره انتصاب مجلس شورای ملی که عارف و علمی واقف به حسن و لیکوتی اثر آن در جریان حیات و منات ما میباشد چشم خود را باز کرده در انتصاب کسانی قدم برداریم که در پیشگاه خداوند و هیئت اجناس و برادران دینی و معنوی خویش دو سفید و هاداب باشیم

این وظیفه ملی و اجناسی در هر یک از اصول و فروع زندگی ما دارای اثر و خاصیت است که تشریح بکنیم آنها در شوق شین و معدود امکان ندارد و علاوه هم تصدیق خاطر برادران عزیز و الا لام نیشارم

اعالی محترم گروس - شما خودتان بعد از بیش از هر عنصر غیر گروسی صد پیکر را میشناسید، شما سردان با صلاحیتی را که قادر به حفظ حیات شاه و مجلس شورای عمومی و ملی باشند در میان خود دارید

شما باید اجازه بدعید که با بودن مردانی امثال آقای حسین سنجید زاده و آقای امام جمعه و آقای کالی السلطه امیرانی و با آقایان محترم دیگری که گروسی هستند آقای بور بور و غلام حسین بور بور و کز شما بشود آقای بور بور و اساسا صلاحیت ندارد که وکیل مجلس بشود و اگر می خواهید به حدود صلاحیت اجناسی او بی سیرید برونده اداری او را اطلاعانه کنید و سابقه خدمت او را در شرکت نفت انگلیس بفرمایید شماره ۲ کوهستان را که من مقاله خطاب بشما اعالی محترم گروس نوشته ام مرور فرمایید تا معلوم بشود که این آقای رئیس دولت اساسا بی هیچ وجه و مقدار ناچیزی هم صلاحیت شایستگی برای انتصاب شدن ندارد و باید انتصاب بشود بدلت اینکه اولا سزاوار اجناسی ندارد و تحصیل علوم سیاسی و اجناسی نکرده و علاوه سابقه اداری او مربوط به یک حرکت نفت خارجی است و یک

آبروان یکساله داخله - ۲۰۰ ریال
تکثیر و داخله ۴ ریال
خارج ۵ ریال
جای اداره خیابان فردوسی روبروی بانک ملی تقن ۶۶۵۷

لشکر گردستان تکذیب می نماید
آقای دکتر اسمیل اردلان مدیر روزنامه کوهستان

اعالی مریوان ملی لشکر اف مورخه ۲۵۱۰ هـ شرح مندرجه در روزنامه شماره ۷۳ کوهستان را تحت عنوان «ناله مریوان» تکذیب نمود و مندرجه آن مزبور را خلاف واقع اعلام نموده اند منتهی است مراتب را در آن روزنامه تکذیب فرمایید

رئیس ستاد لشکر - سرزنش ستاد امرای کوهستان - اگر چه در شماره گذشته از طرف ستاد ارتش تکذیب شده بود و نامه وارده ستاد جینا چاپ لشکر گردستان که موبد نامه ستاد ارتش است زاید بنظر میرسد ولی برای اینکه سوء تخییری نشود همین نامه رسیده در بالا چاپ شد خستا علاوه میناید که گزارش ناپخته فی کوهستان در مریوان حاکی از این است که صلوات السران و افراد گردان منتقل شده بر مریوان رضایت بخش میباید ولی نامی از فرمانده یادگان در گزارش واصله ذکر نشده است

ماشاء الله و که به کرات ثابت نموده ایم نظری جز تائین آسایش صوملی نداریم و اگر مقالات وارده مردم را که حاکی از شکایات و نا رضایتی ها می باشد چاپ میکنیم لفظ بی نظور متوجه نبودن اولیای مسئول به اظهارات مردم میباشند

اعلاوه رسی منگلی، بلا و او اهل گروس نیست و شما هم قسم نموده اید که غیر گروس و او کبیل نکند

اعالی محترم گروس - شما نظوری که در طول مسافرت در ولایت گروس به عرض شما رسانیدم و بارها نیز در مقالات متعدد نگاشتم با حدود خواهه و ترمی مطع فکری شما در اثر انتخاب یک نماینده غایب معنی به سایر مردم نقاط ایران معرفی خود و این فرد معصوم خود شاست که با خود را خوب باید معرفی کنید

مردم اگر دوست دارید که اطفال شایسته مواد و بی بهره از علم و هنر نشوند، اگر میل دارید برادران شما از سست مواد و فرهنگ آسوده گردند، اگر میل دارید که غیر شما از این و برای خرابی نیابت پای

اگر مایل هستید که نام شما به یکی و با یکی بر جای بماند - اگر میخواهید اساس نام تاریخی شما لکه از و باقیال نشود

اگر میل دارید که ایران عزیز از وجود مردان با همت و وطن پرست و ملی استفاده کند اولاً و کبیل معنی را از خودتان انتخاب کنید و نایاب ریس نفت همدان را جواب دهید که شما اهل اینکار نیستید

مردم ... به حرکت نفت انگلیس تکرار کنید که این نماینده معجز و شاد دارد با حیات سیاسی و اجناسی ما فرزندان ما با پای میکند - مردم در جرایه و جملات معلومیت و بی نوازی خود را به مردم ایران بفرمایید

از سندیج

مقام منبع جناب اشراف آقای نصرت وزیر امدت تا بداند از اوقات امانت برومندان جناب اشراف در دفع اشرار و مجاسرین بی دیانت آذربایجان و برقرار بودن رفاهیت ملت تهریکات و لشکرات صیبا را تقدیم میداریم و سلامتی و موفقیت آن ذات مقدس را از لاهر متعال و برکت اجداد اطهار منن و خواستاریم - شکر خدا در این یکساله بحران گردستان چه هشام و چه غیره نعمی بر خلاف وظیفه بر نداشته و صایح و شیر خواهی تقریر در قلب آنها اثر بقیده کرده سفید در گاه خدا و اولیای دولت همتیم همه پند گاییم خسرو پرست - سید جلال الدین نقشبندی - حاج سید بهالین نقشبندی

گزارش نمایندگان مریوان از بیستم مهر ماه که گردان جدید مریوان منتقل شده در صران و آبادی از طرف افسران و افراد جدیدت مخصوصی بصل آمده و صیبا و رفتار مینابند افسران گردان منتقل شده مریوان باشکاهی ساخته که هزینه آن را این خود تقسیم نمودند یک رادیو باطری دار هم که برای باشگاه خریداری نموده اند در این محل دور افتاده مورد استفاده عمومی میباشد

فراست رئیس دارایی برای تحویل گرفتن سهمیه جای و شکر به سندیج مسافرت نماید

نایندگان مریوان ۱۱-۱۰-۱۳۱۰

یک قدم دیگر راجع به بهداری گردستان

در تکلیف انسانی که راجع به بهداری گردستان شده بدین وسیله با اطلاع علاقه مدان میرساند که انانچه از این باشگاه بهداری گردستان از طرف وزارت بهداری تهیه و آماده ارسال به سندیج می باشد و بکنتر متخص برای آزمايشگاه هم در نظر گرفته شده در آینه اردیکی به سندیج اعزام خواهد کرده

مردم کسانی را که بول از بور بور گرفته و امروز طرفدار او شده اند از خود دور کنید

مردم آلهای را که بر علیه دلسوز های و انمی شما فعالیت میکنند زبون و خیر سازید خداوند بشما کمک خواهد کرد و روح ایمان و امید شما را موبد و برقرار خواهد نمود و شما را برادر است هدایت خواهد کرد

من بیکار دیگر از محترمین و مردان با شرافت و وطن پرست گروس چه آنها که تا بحال بر علیه بور بور فعالیت کرده و چه آنها که نکرده اند خواهش می کنم که نفع اجناس را بر نفع خود ترجیح داده و مردانه در انتخاب نماینده ملی با هم کمک کنند در اتحاد و اتحاد همسر مقصودی میتوان رسید و شما هم بدانید که بدلت صح الجماعه است در رهبری و حیات جماعت بهم بسته با خلاصه